

مقدمه اساسنامه کارگران صنعتی جهان

طبقه کارگر و سرمایه دار هیچ چیز مشترکی با هم ندارند. تا سرمایه هست زندگی کارگران آکنده از گرسنگی و فقر است و تعداد اندکی سرمایه دار تمام نعمات زندگی را در اختیار دارند. هیچ صلحی میان کارگر و سرمایه دار مجاز نیست.

مبارزه بین این دو طبقه باید ادامه یابد تا کارگران جهان خود را به صورت یک طبقه برای در اختیار گرفتن ابزار تولید و لغو کار مزدی و رفع مشکلات زیست محیطی کره زمین آماده سازند.

مادامی که مدیریت و کنترل صنعت در دستان اندک افراد است، اتحادیه های کارگری نخواهند توانست با قدرت روز افزون طبقه سرمایه دار مقابله کنند. اتحادیه های کارگری راهی را می روند که لایه ای از طبقه کارگر را در قیاس با توده کارگر در موقعیت بهتری قرار می دهد. این روش جنگ برای افزایش دستمزد را به شکست می کشاند. علاوه براین، اتحادیه های کارگری به طبقه سرمایه دار کمک می کنند تا کارگران را فریب دهند. آنها باور دارند که کارگر و سرمایه دار منافع مشترکی دارند. به کارگران می گویند که می توانند به کمک سندیکا وضع حاضر را تغییر دهند. تنها وقتی که سازمانیابی طبقه کارگر طوری باشد که تمام اعضای هر رشته صنعت یا تمامی رشته های صنعتی بتوانند دست به اعتصاب و تحریم تولید بزنند می توان کاری انجام داد. ضربه به یک کارگر ضربه همه کارگران است.

بجای شعار محافظ کارانه "دستمزد روزانه عادلانه برای کار روزانه عادلانه" باید شعار انقلابی "سرنگون باد نظام کار مزدی" بر روی بنر های کارگران نقش بندد.

وظیفه تاریخی طبقه کارگر است که نظام سرمایه را نابود کند. ارتش تولید کنندگان باید سازمانیابی شود، نه فقط برای مبارزه علیه سرمایه که برای سازماندهی تولید بعد از سرنگونی سرمایه داری نیز. با سازمانیابی کارگران صنعتی، ما ساختار جامعه ای نوین را در درون جامعه کهنه پدید می آریم.